

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۳ دسمبر ۲۰۱۹

طبقه کارگر و قیام آبان [عقرب] ۹۸

در ۲۴ آبان ماه [عقرب] امسال (۱۳۹۸) کارگران و ستمدیدگان جان به لب رسیده ایران، بنا به گزارشات خود جمهوری اسلامی، در ۲۹ استان از ۳۱ استان کشور به پاخاستند تا اعتراض خود نسبت به سه برابر کردن قیمت بنزین که از سوی دولت روحانی اعلام شده بود را به گوش همگان برسانند. این اعتراض بزرگ توده ئی، خیلی زود با قهر ضد انقلابی جمهوری اسلامی مواجه شد و دیکتاتوری حاکم، گله های مزدوران سرکوبگر خود را به جان معترضان انداخت و آنها با شلیک گلوله به سوی مغز و قلب معترضان به قصد کشتن آنان، حمام خونی در خیابان های شهرهای کشور به وجود آوردند. واضح است که چنین سرکوب ضد انقلابی نه فقط شعارهای آغازین تظاهرات مردم را مستقیماً به شعار سرنگونی کل حاکمیت جمهوری اسلامی تبدیل نمود، بلکه خون های جاری شده در خیابان، توده های تهیدست را بر آن داشت که با تهور و شجاعت بی نظیری دست به قیام زده و مراکز استثمار و سرکوب رژیم را آماج حملات قهر آمیز خود قرار دهند.

توده های به پاخاسته در مقابل یورش وحشیانه مزدوران جمهوری اسلامی، در دفاع از خود و جهت مقابله با وحشیگری های رژیم و همچنین برای ابراز خشم و نارضایتی خویش از غارتگری های سرمایه داران حاکم، پمپ های بنزین، بانک ها، کلانتری ها، مراکز بسیج و دفاتر امام های جمعه را در سطح وسیعی در کشور، مورد حمله قرار داده و به آتش کشیده و خشم و نفرت خود از نظام ظالمانه حاکم و دیکتاتوری لجام گسیخته ای را که با دار و شکنجه از آن حفاظت می کند، به عینه به نمایش گذاشتند. با توجه به ترکیب شرکت کنندگان در قیام که اکثراً کارگران و بی چیزان و "هیچ بودگان" ی بودند که نظم سرمایه دارانه حاکم حتی قادر به سیر کردن شکم آنها نمی باشد، بروشنی می شد نتایج عظیم و تاریخی ناشی از سر باز کردن خشم فروخته این جمعیت عظیم در خیزش بزرگ شان را دید و مشاهده کرد که چگونه این توده با جسارت و تهور باور نکردنی، جان بر کف به مصاف سلطه جهنمی حاکم برخاسته است. کارگران و بی چیزانی که با دست خالی به جنگ اهریمنان حاکم برخاسته بودند، با شورش بحق خود نشان می دادند که بر این واقعیت آگاه اند که قهر ضد انقلابی حاکم را جز با قهر انقلابی نمی توان در هم شکست.

در چند روزی که توده های ستمدیده اما به پاخاسته ما با توسل به قیامی قهر آمیز، آتش به سلطه قدرت حاکم زدند، جمهوری اسلامی از اعمال هیچ جنایتی علیه توده های کارد به استخوان رسیده ما از مظلالم سیستم سرمایه داری وابسته حاکم بر ایران، کوتاهی نکرد. این رژیم تا می توانست با به گلوله بستن توده ها آنها را کشت و مجروح نمود و تا امکان

داشت معترضان را دستگیر و زندانی نمود. این رژیم جنایتکار و مرتجع برای خاموش کردن آتش انقلابی توده ها، ارتش شاهنشاهی-اسلامی را نیز به کار گرفت و با وسایل جنگی نظیر تانک و دوشکا و آر. پی. جی و هلی کوپتر از زمین و هوا توده های گرسنه و تهیدست را به جرم قیام برای مطالبه حقوق بدیهی شان، آماج حملات سرکوبگرانه خود قرار داد. به این ترتیب قیام پر خروش و قهرمانانه کارگران و زحمتکشان ما در شرایطی که از فقدان سازمانیافتگی و رهبری در رنج بود، فروکش نمود.

اما قیام خونین آبان ماه [عقرب]، درس های بزرگی برای طبقه کارگر و دیگر توده های ایران، به جای گذاشت، درس هایی که بدون شک مبارزات آتی طبقه کارگر برای رهایی را روشنی بخشیده و راه رسیدن کارگران به آزادی را هموار می سازد.

شورش گرسنگان در آبان ماه [عقرب]، بروشنی تمام نشان داد که توده های ستمدیده در تجربه زندگی خود، درک کرده اند که شرط رهایی آنها از فقر و فلاکتی که نظم سرمایه داری به کمک سگ نگهبانش جمهوری اسلامی برای آنها به ارمان آورده است، اولاً سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی و نابودی نظم حاکم می باشد و ثانیاً دار و دسته جنایتکار حاکم را که با هیچ زبانی جز زبان زور سخن نمی گوید، جز با توسل به مبارزه مسلحانه و قهر انقلابی نمی توان از پای در آورد. این آگاهی در شرایطی که دستگاه های تبلیغاتی دشمن شب و روز در تلاش اند هر گونه صدای آزادیخواهانه و حق طلبانه ای را حتی در یک مبارزه کاملاً مسالمت آمیز در نطفه خفه سازند، امروز در جامعه ایران با چنان بانگ صولتمندی به فریاد در آمده است که حتی سازشکارترین نیروهای اپوزیسیون هم قادر به کتمان آن نیستند. مگر آن که ضدیت شان با ستمکشان را با بی شرمی به معرض نمایش بگذارند.

اما، یکی از مهمترین درس های شورش گرسنگان در آبان [عقرب] ۹۸ آن بود که کارگران و بی چيزان، بدون متشکل شدن و مسلح شدن قادر به رسیدن به پیروزی نمی باشند. به عبارت دیگر آنها بدون وجود یک رهبری انقلابی متشکل از کارگران آگاه به ایدئولوژی طبقه خود (مارکسیسم-لنینسم) و روشنفکران کمونیست که قادر به سازماندهی مسلح توده ها باشند، نمی توانند بر دشمنانشان غلبه کنند.

از سوی دیگر تجربه مبارزات سال ها تلاش کارگران و ستمدیدگان جهت متشکل شدن به عینه نشان داده که در شرایط دیکتاتوری وسیعاً و شدیداً قهر آمیز حاکم، تشکل کارگران مسیر ویژه ای جز آن که مثلاً در اوایل قرن بیستم در روسیه صورت گرفت را طی می کند. به همین دلیل هم چریکهای فدائی خلق همواره گفته و نوشته اند که برای فائق آمدن بر پراکندگی صفوف رنجبران، ضروری است که قبل از هر چیز، پیشروان طبقه کارگر با ایجاد هسته های سیاسی-نظامی و توسل به اعمال قهر انقلابی، ابتداء خود را از یورش مرگبار دشمن حفظ کنند و سپس در فضائی که مبارزه مسلحانه در جامعه ایجاد می کند در جهت ایجاد ارتباط مستقیم با کارگران و ستمدیدگان گام بردارند.

بدون شک شکل گیری گروه های سیاسی-نظامی و حرکت این گروه ها در جهت سازماندهی مسلح رنجبران، به تدریج شرایط را جهت متشکل شدن کارگران و تشکیل ارگان رزمنده و رهبری کننده طبقه کارگر، مهیا می سازد. به همین دلیل هم کارگران باید در حالی که برای مطالبات بحق خود مبارزه اقتصادی می کنند، لحظه ای فریب این تبلیغ نادرست سازشکاران مبنی بر دعوت کارگران به صرفاً مبارزه اقتصادی را نخورند که با این کار می کوشند کارگران را از مبارزه سیاسی دور سازند. آن هم در شرایطی که مبارزه سیاسی علیه قدرت حاکمه (که در شرایط جامعه ایران الزاماً مبارزه نظامی هم هست)، تنها راه نجات آنها از فقر و فلاکت و استثمار حاکم می باشد.

تجربه نشان داده که در صورت گام برداشتن در این مسیر یعنی سازماندهی مبارزه مسلحانه علیه دیکتاتوری لجام گسیخته جمهوری اسلامی، امکان غلبه بر ضعف بزرگ مبارزات متهورانه کارگران یعنی نداشتن تشکیلات و فقدان

رهبری، فراهم می گردد. این واقعیت را قیام های دی ماه [جدی] ۹۶ و آبان [عقرب] ۹۸ ستمدیدگان به عینه به اثبات رسانده است.

به نقل از: ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۷۱، پانزدهم آذر ماه [قوس] ۱۳۹۸